

مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی

محمد علی تسخیری

بسم الله الرحمن الرحيم

مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی

همه جهان از جمله جهان اسلام در پرتو سیستم جهانی جدید که به نوبه خود مظهر عظیمی از جنبش فراگیر جهانی سازی بوده با حالت تازه ای از تعامل غرب و در رأس آن ایالات متحده امریکا روبرو گردیده است. که این مسأله همگان را وادار می کند تا نسبت به موضوعهای خود تجدید نظر کنند چراکه همه زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سیاسی و حتی فولکلورهای مردمی جهان در معرض خطر این خیزش بزرگ و فراگیر قرار گرفته است.

ما نیز بر این باوریم که جهان اسلام بیش از سایر بخشهای جهان در معرض زیان این پدیده قرار گرفته است چون جهانی سازی وحشی - به طوری که خود غریبهها این نام را بر آن گذاشته اند - روی آن تمرکز دارد. استراتژی های تهیه شده در پرتو این سیستم با صراحت به آن اشاره دارند (نظیر استراتژی امریکا در سال ۱۹۹۷). بلکه ما نزدیک به یقین داریم که این حمله در درجه نخست متوجه ما است با توجه به تمرکز فشارهای نظامی و فرهنگی و اقتصادی علیه ما و حرکت پروژه های استعماری نوین بزرگ متوجه ما همچون طرح خاورمیانه بزرگ که در بر گیرنده جهان اسلام و اطراف آن است می باشد.

و با توجه به اینکه خود غرب در زمینه های منابع انرژی و یا مکانهای راهبردی بی نظیر و یا نیروی انسانی و یا حرکت تمدنی ایدئولوژی اسلامی ما متناقض با بسیاری از ارزشها و معیارهای تمدنی اش می باشد اکنون غرب با چالشهای بزرگی روبرو است. علاوه براین تراکم تاریخی روانی که قرنهای زیادی از کشمکش و تبادل نقشهای

احراز پیروزی نظامی میان طرفین وجود داشته است که زمانی جهان اسلام به قلب غرب گسترش می یافت و گاهی اشغال غرب متوجه همه جهان اسلام می گردید و هیچ منطقه ای از آن دور نبوده است.

همه این رویدادها باعث پیدایش یک کینه تاریخی و یک حالت روانی شده بود که تأثیر خود را روی استراتژیهای طرفین در نگرش به یکدیگر گذاشته است حتی در زمینه نظریه پردازی تاریخی و تجزیه و تحلیل علمی که رنگ موضوعی و حتی ضرورت تاریخی است منعکس شده است. جهان اسلام امروزه از جهانی سازی شدیدترین رنج را می برد و این رنج ناشی از این نیست که جهانی سازی یک حالت تمدنی طبیعی باشد که بشریت را از کثرت به وحدت و همبستگی در زمینه های گوناگون پیش می برد، که چنین چیزی شایسته و بجا و شکی در واقعیت آن نیست. بلکه این رنج ناشی از آن است که غرب تلاش دارد با سوار شدن بر ترک این اسب راه آن را به سوی تحقق هدفها و منافع تنگ نظرانه مورد نظر خود سوق دهد و زمام همه امور را در دست بگیرد و سلطه نظامی و اقتصادی و فرهنگی و غیره خود را تعریف نماید و این همان خطر بزرگ است که برای مقابله با آن به برنامه ریزی ما نیاز دارد چنانچه بخواهیم از میراث تمدنی عظیم خود و از وجود شرکت کننده خویش در ساختن تمدن جهانی پاسداری نمائیم. لذا ما باید اجمالاً مفهوم جهانی سازی را بشناسیم تا بدانیم چه کاری را باید برای مقابله با چالشهای آن انجام داد.

تعریف جهانی سازی

شکی نیست که تعریف جهانی سازی یک تعریف مبهم و پیچیده ای است و تعریفهای ارائه شده برای آن متناقض و متنوع و گوناگون است و در واقع آدمی با شناخت نوع تفسیرها و تعریفهای ارائه شده برای جهانی سازی پی می برد که جهانی

سازی یک تلاش برای نفی تمدنهای غیر غربی و تحمیل سرمایه داری و تلاشی برای تحمیل مدل آمرکائی بر سایر تمدنها و زیر سلطه در آوردن جهان از سوی آمریکا است.

ما در این زمینه سه تلاش از اینگونه تلاشها را یاد آور می شویم:

۱- تعریف جهانی سازی ارائه شده از سوی کمیته بین المللی در سال ۱۹۵۸

آن را دخالت در امور اقتصادی و جامعه و سیاست و فرهنگی و رفتار سایر جوامع جهانی از طریق الغای مرزها و تابعیت ملی و اقدامهای دولتی دیگر کشورها دانسته است.^۱

۲- برخی از تعریفهای غربی برای جهانی سازی آن را یک واقعیت تحول

سرمایه داری در سایه سلطه کشورهای مرکزی و حاکمیت یک سیستم جهانی نا برابر دانسته اند. تعریفهای دیگری نیز در زمینه های اقتصادی و یا ادبی و یا تعریفهایی با توجه به لوازم آن از سوی (جابری) و (تیزین) و غیره ارائه شده است.^۲

۳- تعریف (روزناو) آمریکائی. وی در تعریف جهانی سازی سؤالهایی را

مطرح می کند که آیا جهانی سازی ناشی از تجانس و همانندی یا تعمیق تفاوتهاست؟ و آیا جهانی سازی منابع واحدی دارد و یا گوناگون؟ و آیا جهانی سازی فرهنگ واحدی دارد یا متعدد؟ و سر انجام معتقد است سه مطلب در مسأله جهانی سازی ذی ربط می باشند. که عبارتند از بر چیدن مرزها و برجسته نمودن مشابهتهای موجود در جوامع بزرگ و تحمیل روش زندگی آنها بر دیگران.^۳ از اینرو ما می توانیم بگوئیم که جهانی سازی در واقع امریکائی شدن روابط سیاسی و حقوق اجتماعی در سطح جهان و تحمیل فرهنگ سلطه غرب بر دیگران است که این مسأله خطرناکتر از اندیشه های شیطانی

۱ - مجلة النهج شماره ۵۰ بهار سال ۱۹۸۸.

۲ - مجلة الواحة شماره ۱۶ ص ۱۵۳.

۳ - جیمس روزناو- دینامیکه المعرفة

است. جهان غرب با بهره گیری از توان تکنولوژی علمی و فرهنگی و نظامی خود این اندیشه را مطرح کرده است. و برخی از فلاسفه و نویسندگان نیز تئوریهای نظری را برای اجرای آن زمینه سازی کرده اند و همه ما با نظریه هنتنگتن آشنا هستیم وی در این نظریه بر تمدن غرب تأکید دارد و آن را در زمینه های تسامح و انسان دوستی و تکثر بر دیگر تمدنها متمایز می داند و تمدنهای غیر غربی را به استبداد و پیروی محض از ارزشهای گذشته و ناکامی در حل مشکلات انسانی همچون فقر و بی کاری و سطح پائین زندگی و زیادی زاد و ولد و دیکتاتوری متهم می کند. این نظریه به غرب پیشنهاد می کند با دیگر تمدنها همکاری نکند و تکنولوژی خود را به آنها صادر ننماید و کشورهای غربی در زمینه های اقتصادی و سیاسی و اداری با هم وحدت سازی نمایند. این تئوری بر این باور است که تمدن غرب روی میراث یونانی و مسیحی غربی و سکولار و قانون سالاری و تکثر اجتماعی و جامعه مدنی و حقوق بشر استوار است که این امور بخشی از تمایزهای تمدن غرب بشمار می رود و در دیگر تمدنها تحقق نمی یابد.

فوکویاما نیز سیستم سرمایه داری را هدف و غایت تاریخ می داند و بر این باور است که همه جوامع باید به سوی سرمایه داری حرکت کنند و باید شرایط سیاسی و اجتماعی را که مهمترین آن ایجاد تحول در ساختار اجتماعی است به سوی برابری و عدم قشریگری و قومی گرایی حرکت نماید و تفسیرهای مذهبی ذی ربط با این تحول را ایجاد (نمود) و نیز جامعه توسعه یافته به ایجاد نهادهای میانه رو و اعتدال میان افراد و دولت اقدام کند و همچنین عدم غلو کردن در برتری و تمایز قومیتی که موجب انزوای تمدنی می گردد و نیز تفسیرهای روشن فکری از متون مذهبی، و انتقاد از کلیه حرکتهای افراط گرا و اقدام نخبگان به پشتیبانی از ارزشهای دموکراسی و آزادی را خواستار شده است، بنابراین او جامعه سرمایه داری را به عنوان یک هدف مطرح می کند که همه

تمدن‌ها باید به سوی آن حرکت کنند.^۴

بیدهام براین اندیشمند انگلیسی نیز در سلسله مقالاتی که آنرا در مجله اکونومیست در سال ۱۹۹۴ منتشر کرده بود بر وجود مشابهت میان وضع اسلامی در قرن پانزدهم هجری و وضع اروپا در قرن پانزدهم میلادی تأکید داشته و بر این باور است که این دو وضع در فراهم آوردن زمینه مناسب برای انجام اصلاحات و در نوع نهادهای مذهبی موجود نزد مسلمانان و نهادهای کلیسا در قرن پانزدهم میلادی و در سطح استعماری که از آن رنج می‌برند و اشتیاقی که برای بهبود اوضاع از خود نشان می‌دهند با هم مشابهت دارند. وی بر این باور است که یک عامل وجود دارد که این وضعیت را تحریک و پشتیبانی کرده است.

در زمانی که مسلمانان عامل خارجی را در ایجاد تحول در زندگی اروپا در آن زمان تشکیل داده بودند، غرب نیز امروزه به عاملی برای پیشبرد جهان اسلام به سوی تحول و پیشرفت تبدیل شده است وی نیز معتقد است که این حرکت از سوی اسلام‌گرایان آزاده‌ای که به دموکراسی ایمان دارند آغاز می‌شود. و لاجرم باید برای پشتیبانی این افراد با قدرت حرکت کرد. وی در پایان مقاله‌های خود سه توصیه به جهان اسلام ارائه می‌دهد تا شایستگی تعامل با غرب و وارد شدن در کاروان تمدن انسانی امروزی را پیدا کند که عبارتند از :

۱- منسجم شدن با اقتصاد نوین

۲- پذیرش اندیشه برابری میان مرد و زن

۳- تلاش در جهت بهره‌گیری از اصول دموکراسی و اجرای آن در سیستم

حکومتی.^۵

۴ - العربی شماره ۵۱۲، استاذ مجدالدین خمشی ص ۲.

۵ - رجوع کنید به مجله المنهاج شماره ۲۲، سال ششم، ص ۲۴۸، مقاله مؤلف پیرامون این موضوع

و بدین ترتیب روند آماده سازی برای تئوری جهانی سازی و آمرکائی نمودن روشهای زندگی در بر گیرنده زمینه های کامپیوتری و اینترنتی و ماهواره ای و زیر کنترل در آوردن سازمانهای بین المللی گردیده است. اینگونه دستگاهها برای دسترسی به این هدف باید پاسخ مثبت دهند و در غیر این صورت نادیده گرفته می شوند و یا اینکه آنها را با موانعی روبرو خواهند کرد، همانگونه که اخیراً ما شاهد تلاش سازمان ملل متحد برای تشکیل شورائی برای حقوق بشر به جای کمیته بین المللی مأمور این مهم بوده ایم. هر چند که این مسأله تحقق بخش شعارهای آمریکا در این زمینه بوده است ولی به این کشور مجال گسترش نفوذ در آن داده نمی شد از اینرو آمریکا در برابر آن ایستاد. آمریکا با بهره برداری از رویدادهای ۱۱ سپتامبر تلاش کرد خود را به عنوان نیروی اول جهان مطرح نماید و همه سرنوشتهای سیاسی کشورهای جهان را زیر کنترل خود درآورد. همچون طراحی این کشور برای زیر کنترل در آوردن فرهنگها و ارزشها و دخالت در قانونگذاری های اجتماعی دیگر کشورها به نحوی که در کنفرانس های خانواده در قاهره و کپنهاگ و مکزیکوسیتی و پکن غیره شاهد آن بوده ایم که آمریکا با شعار حمایت از حقوق بشر در امور قانونگذاریهای اجتماعی دیگر کشورها دخالت می نمود^۶. و افزودن حقوق های دیگری نظیر حقوق جنسی و حقوق زایمان و نظیر آن را خواستار می شود.

پیامدهای منفی جهانی سازی

پیامدهای منفی این اندیشه خرابکارانه برای همه جهانیان آشکار شده است. از اینرو جهانی سازی به اوصاف زیادی همچون جهانی سازی دیوانه و جهانی سازی تله، و یا چیزی که یا میخورد و یا خورده می شود نامیده شده است، تحقیقات گوناگون انجام

۶ - رجوع کنید به کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره و پیامدهای آن نوشته مؤلف.

شده این پیامدهای منفی را یادآور شده است که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تسلط و سیطره قدرتهای بزرگ بر جریان اقتصادی جهانی و منابع تولیدی و مبادلات مالی و تجارت بین المللی تا آنجائیکه گفته می‌شود که در جهان ۵۰۰ شرکت بزرگ وجود دارد که ۷۰ درصد حجم تجارت بین المللی را زیر کنترل انحصاری خود دارند. و تنها ۲۰ درصد از جمعیت جهان در وضعیت خودکفائی به سر می‌برند در حالیکه ۸۰ درصد از جمعیت جهان در وضعیت دریافت کمک و اعانات از دیگر کشورها زندگی را سپری می‌نمایند. و از زمان تشکیل سازمان تجارت جهانی تا سال ۲۰۰۵ میانگین سالانه در آمد ایالات متحده آمریکا حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار بوده در حالی که میزان زیانهای کشورهای افریقائی در این سالها سالانه نزدیک به ۲۰۹ میلیارد دلار بوده است.^۷

۲- تسلط آمریکا بر رسانه های علمی

۳- شکستن هیبت و اعتبار کشورهای کوچک و توان توسعه این کشورها.

۴- دخالت در قانونگذاریهای داخلی دیگر ملل جهان همانگونه که در کنفرانس های خانواده و غیره شاهد آن بوده ایم.

۵- تهاجم فرهنگی به همه بخشهای جهان و تلاش برای ریشه کنی دیگر فرهنگهای موجود در این بخشها و خواستار شدن اجرای تطبیقهای عصر ماورای مدرنیته و الغای نقش دین بطوریکه فیلسوف جاک دریدا خواستار برچیدن نهادهای دینی و آموزشی در کلیه کشورهای جهان شده است.^۸

ما هم اکنون شاهد تلاش غرب برای صدور برخی از ارزشهای خود به عنوان

۷ - استاد میناوندی به نقل از گزارش شورای ملی تولید و امور اقتصادی (مهر) که به تاریخ ۲۰۰۲/۳/۱۷ ارائه گردید.

۸ دکتر عبدالعزیز حموده-الثقافة- اختیار الثقافة القومية (الاهرام ۲۰۰۲/۷/۵)

ارزشهائی مسلم و بی چون و چرای دیگر کشورهای جهان جهت پابندی به آن همچون دموکراسی و آزادی شخصی و آزادی جنسی هستیم تا آنجائیکه اخیراً مسلک لائیک را به عنوان یک اصل انسانی که نمی توان آن را کنار گذاشت مطرح کرده است. و بدین سان می توان درباره الگوهای اقتصادی غربی در مصرف را از دید فرهنگی سخن گفت و نیز می توان درباره تهاجم گسترده و چند بعدی فرهنگی و تلاش در جهت محو هویت‌های ملی و ایجاد هویت‌های مجازی و مصنوعی از طریق رسانه های تبلیغاتی گسترده و تأثیر گذار صحبت کرد.

۶- کاهش دادن به جایگاه محافل بین المللی و بهره گیری از آنها به نفع قدرتهای بزرگ نظیر بهره گیری از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سایر سازمانهای بین المللی به منظور اجرای سیاستهای مربوط به منافع آنها بطوریکه چند روز پیش رئیس یکی از کشورهای غربی اعلام کرد که ناتو و نیروهای غربی بخاطر سوء استفاده آنها از سازمانهای بین المللی بزرگترین ضربه را به نظم جهانی وارد کرده اند.^۹

۷- آلوده کردن محیط زیست و قربانی کردن محیط زیست توسط قدرتهای بزرگ برای تأمین منافع مادی و آز و حرص و طمع آنها.

۸- وجود تلاش وحشتناکی در مورد تغییر نقشه سیاسی در برخی از مناطق جهان (همچون منطقه خلیج فارس و منطقه شمال آفریقا و روسیه و تایوان) که احتمالاً به منظور ایجاد یک سایش پیکوی جدید انجام می گیرد.

البته پیامدهای منفی زیادی برای جهانی سازی وجود دارد که ما فعلاً به ذکر آن نمی پردازیم.

۹ - دلایل مربوط به این سوء استفاده ها روز به روز بیشتر می شود. و چنانچه این سازمانها برای آنها سودی نداشته باشد آنها را رها می کنند و این همان چیزی است که در وضع آمریکا نسبت معاهده (کیوتو) که آلودگی محیط زیست را ممنوع می کند شاهد آن بوده ایم چون آنها متوجه شده بودند که اجرای این معاهده باعث کاهش تولید ذغال سنگ و نفت سنگین و انرژی اتمی شان می شود. در حالیکه این کشور اخیراً این معاهده را از سوی دادگاه جنائی بین المللی امضا کرده و در تشکیل آن مشارکت داشته بود ولی در جهت معافیت سربازان خود از اقدامات دادگاه قدم برداشت و نیز در جهت خارج شدن از موافقتنامه (ctbt) مربوط به ممنوعیت آزمایشهای هسته ای تلاش کرده است و تلاش اجرائی خود را در زمینه تحریم سلاحهای شیمیائی را متوقف کرده است.

موانع موجود بر سر راه جهانی سازی یکجانبه ای آمریکا

ما اطمینان داریم آمریکا که این حرکت جهانی سازی را دنبال می کند به رغم امکانات زیادی که در اختیار دارد نخواهد توانست هدفهای خود را توسط آن تحقق نماید، چراکه موانع زیادی در این راه وجود دارد از جمله:

۱- ایستادگی کشورهای بزرگ و ائتلافهای جهانی در برابر آن که این جهانی سازی با منافع آنها تعارض خواهد داشت.

۲- ایستادگی ملتهای جهان در برابر طرفهای مربوط به مسخ هویت آنها و احتمال اشغال کشورهایشان که احتمالاً در بطن این طرح وجود دارد.

۳- بروز بحرانهای جهانی در زمینه های گوناگون و به ویژه در زمینه های اقتصادی همچون بحران انرژی که احتمالاً همه سیستم جهانی را به خود گرفتار خواهد کرد.

۴- عدم امکان ادامه روند آمریکا در به چالش کشیدن سیستم روابط بین المللی و نادیده گرفتن نهادهای جهانی بطوریکه جهان را علیه آمریکا حرکت خواهد داد.

۵- افزایش آگاهی جهانی نسبت به وجود این طرحها که موجب افزایش روند مقاومت خواهد شد از اینرو امکان تبدیل شدن ابزار مدرن مورد استفاده جهانی سازی به ابزاری برای آگاهی بخشی مردم جهان نسبت به وجود این طرحها.

۶- آگاهی روبه افزایش مذهبی ملل جهان که بزرگترین مانع در مقابل طرحهایی که در صدد محو آن می باشند خواهد بود.

میان جهان مداری اسلامی و جهانی سازی غربی

ما بیش از پرداختن به اقدامی که امت اسلامی باید در این رابطه انجام دهد سعی خواهیم کرد موارد تفاوت موجود میان جهان مداری اسلامی ما و جهانی سازیشان را بطور خلاصه یادآور شویم.

جهان مداری اسلامی به نکات زیر تمایز دارد:

* دارای جنبه جهانی و اقتناعی است که ایدولوژی خود را به ملل جهان تحمیل نمی کند و تلاش نمی کند فرهنگ و روش زندگی دیگر ملل را سلب کند بلکه در جهت هم زیستی و تفاهم با آنها تلاش می کند، که چنین چیزی با متون اسلامی و رویدادهای تاریخی قابل انسجام با این متون مورد تأکید قرار گرفته و هیچگونه اجبار در عقیده و یا مسخ فرهنگی دیگران و یا تفاخر نژادی در آن انجام نگیرد.

- عدم تلاش به سلب حقوق و چپاول منابع دیگر کشورها.

- عدم تلاش جهانمداری اسلامی به اشاعه و گسترش مفهومی مربوط به منافع مادی نظیر تعمیق الگوهای مصرفی بلکه میان خط مشیهای خود و تولید انسانی و نیاز عمومی موازنه ایجاد می کند و هرگونه کفر ورزیدن به نعمتهای خداوندی و هرگونه ظلم و ستم در توزیع را نفی می نماید و هدف آن پیش از هر چیز خوشبختی و کرامت انسان است و اسراف در تولید و در توزیع مواد مصرفی را مردود می شمارد.

- جهان مداری اسلامی در صدد وارد آوردن زیان به افراد و گروهها و یا جوامع نبوده بلکه در جهت اعطای حق به ذی حق و امنیت را در زمینه های گوناگون برای همگان فراهم می نماید.

- جهان مداری اسلامی تلاش نمی کند تا سلطه ملتی و یا قشری و یا فردی را بر دیگران تحمیل نماید و با هرگونه دیکتاتوری و برتری طلبی مبارزه می نماید و آنرا مظهري از مظاهر طاغوت می داند و مبارزه با طاغوت را یکی از دو هدف پیامبران در کنار پرستش خداوند در زمین می داند.

- جهان مداری اسلامی در جهت اشاعه و گسترش ارزشهای انسانی و اخلاق نیکو به عنوان یک هدف اجتناب ناپذیر تلاش می نماید.

- تلاش واقع بینانه و با اصالتی می نماید تا بقیه مظاهر انسانی در رفتار شخصی و

اجتماعی و بین المللی خود تجلی نماید.

- از این عناصر فطری عدالت است که دین در تحقق آن در همه زمینه ها تلاش می کند و هر چیزی که با آن منافات داشته باشد حذف می نماید.

- این جهانمندی تلاش دارد تا به دیگران احترام بگذارد و منطق گفتگو را پیش از هر کار دیگری گسترش دهد (لیحیی من حی علی بینة و یهلک من هلک عن بینة) «بدین معنی به کسانی که خواهان زندگی بر اساس شواهد باشند فرصت زندگی می دهد و کسانی را که راه هلاکت را با شواهد در پیش گرفته باشند به هلاکت می رساند» و این مسأله نیز جزء اقتضاهای فطرتهای انسانی است.

- و از جمله اصولی که در جهت نشر آن تلاش می کند همکاری و معارفه و استخلاف الهی و همیاری اجتماعی است.

- انسان و مرکزیت او را با معیارهای تعهد و کار او ارزیابی می نماید.

- میان آزادیهای فردی و منافع اجتماعی توازن ایجاد می کند و سرانجام همه مسائل اجتماعی را برپایه فلسفه واقعگرایانه استوار می نماید که از آن حرکت می کند و خود را به مقتضیات آن و ویژگی هایی که در اینجا مجالی برای ذکر آن نیست متعهد می نماید.

اما جهانی سازی غربی را می توان گفت که در موضع نقیض آنچه گذشت قرار دارد. این جهانی سازی- همانگونه که قبلاً گفته ایم دارای ویژگی نفرت فرهنگی و چپاولگری یا بگونه وحشیانه و دیوانه وار و یا بشکل پیشرفته و مدرن است، و نیز تلاش می کند منطق حیوانی مصرفی را در جهان تعمیم دهد و در همه امور دیگر جوامع حتی در زمینه های اجتماعی و مدنی آن دخالت می کند و هدف آن تحمیل سلطه خود در همه زمینه ها بر دیگران است، و هیچگونه معنایی برای ارزشهای اخلاقی قائل نیست بلکه اخلاق را در جهت تحقق اغراض و هدفهای سیاسی خود بکار می گیرد همانگونه

که اخیراً در بیانیه اندیشمندان امریکائی شاهد آن بوده ایم در فرهنگ خود جایی برای مسائل معنوی وجود ندارد بلکه با همه ابزاری که در اختیار دارد از جمله رسانه های تبلیغاتی و آزادی جنسی با آن مبارزه می کند و عدالت نیز از نظر آن نسبی است بطوریکه باید با منافع تنگ نظرانه اش سازگار و متناسب باشد و سرانجام منطق کشمکش را به جای گفتگو بطور وحشیانه مطرح می کند. اما درباره معیار عدالت و ارزیابی هیچ معیار و عدالت و ارزیابی جز قدرت و منافع تنگ نظرانه خود را نمی شناسد. از اینرو سیاست یک بام و دو هوا را در تعامل با دیگران بکار می گیرد بدین معنی که دیگران حق تعامل انسانی را ندارد- طبق نظریه هابز در تقسیم بندی جوامع بر اساس مدرنیته- که امروزه پیروان بیشتری از اندیشمندان غربی و به ویژه در انگلیس و امریکا پیدا کرده است. و سرانجام همانگونه که گفتیم جهانی سازی غربی از شرایطی که برای خود مناسب می بیند بهره برداری می نماید بی آنکه به یک فلسفه واقعی که توجیه گر تهاجم وحشیانه اش باشد تکیه نماید.

اوضاع امروز امت اسلامی:

امت اسلامی امروزه آثار یک نبرد درازمدت را که دهها سال و شاید صدها سال ادامه داشت از خود زدوده است چراکه برخی از گونه های اشغال در برخی از مناطق جهان اسلامی همچون اندونزی از سوی غرب به بیش از سه قرن ادامه داشته. و این ملل طی این مدت رنجهای بسیار و شکستها و غارتهای گوناگون و تجزیه جغرافیای و تاریخی و زبانی و غیره متحمل گردیده و از هدایت دینی محروم و در معرض آموزه های لائیک و ستیزه جویانه و غیره غرب قرار گرفته و در پایان قرن بیستم در اثر غفلت و خیانت و عدم برنامه ریزی دچار آسیبهای فراوان شده اند. با این وجود این امت هم اکنون در معرض طرحهای بزرگتر و خطرناکتری قرار گرفته که همه موجودیت فرهنگی

و تمدنی را هدف قرار داده است. بنابراین امت اسلامی چه اقداماتی می تواند انجام دهد؟ ما برای باوریم که وضع تا میزان زیادی به وضعیتی که مسلمانان در پی شکست آنها در جنگ اُحد داشته اند شباهت دارد. در آن زمان مردم مسلمان در پی جنگ اُحد در معرض دردهای ناشی از زخمهای جنگ و تفرقه و نفاق و تشکیک به عقیده قرار گرفته بودند که خبرهایی از وجود یک طرح شیطانی به گوششان می رسد و قریش را به از سرگیری جنگ با مسلمانان وا می دارد و به آنها خبر می دهد که آنها بهره برداری از جنگ اُحد را بطور کامل برای پیروزی انجام نداده اند آنگاه رهبر مسلمانان «پیامبر» از این خبر آگاه می شود و مسلمانان شرکت کننده در جنگ اُحد را یک بار دیگر آماده نبرد می کند تا همچون شیران غران بیرون بیایند، تا جایی که قبیله قریش از چنین آمادگی با خبر می شود و سر جای خود می نشیند و از طرح تجاوز کارانه خود صرف نظر می کند.

ما باید آن وضعیت و طرحهای حضرت رسول اکرم (ص) و آموزه های قرآن کریم را در آن زمان بررسی نمائیم و از آن برای وضعی که اکنون با آن روبرو هستیم بهره بگیریم.

خداوند متعال شصت آیه از سوره آل عمران را در روز اُحد نازل نمود بطوریکه ابن هشام در سیره خود می گوید (فیها صفة ما کان فی یومهم ذلک و معاتبه من عاتب منهم)^{۱۰}. خداوند متعال در پی هشدار به مسلمانان نسبت به طرحهای دشمنانشان (آیه های ۱۱۸-۱۲۰) درس عبرتها و وقایع در جنگ اُحد را بقرار زیر مرور می نماید:

- مطرح شدن شایعات از سوی دشمنان در حالیکه حضرت رسول اکرم (ص) مسلمانان را برای نبرد آماده می نمود که این مسأله موجب می شود دو گروه از مؤمنان گذشته های عقیدتی و عامل توکل بر خداوند عزیز و توانا را فراموش کنند، و دچار شکست و ناکامی شوند که وعده رسول اکرم آنها را به راه صحیح و رستگاری باز می

۱۰ سیره ابن هشام جزء سوم ص ۱۱۲- چاپ دار احیاء التراث.

گرداند.

- پس از آن آموزه های قرآنی که ویژگیهای ایمان امت را مشخص می کنند و چنانچه خود را به آن پایبند نمایند پیروز می شوند چرا که این مسأله جزو سستهای تاریخی است (آیه ۱۳۷ آل عمران).

- پس از آن مسأله تقویت معنویتها فرا می رسد و شخص مؤمن متوجه می شود که او پیروز و والاتر است به رغم وجود زخمهای وارد آمده به بدن او، چون زخمها در طرفین وجود داشت و دشمنان نیز دچار آن شده بودند و پیروزی و شکست دست خداوند است که هیچ نیروئی توان شکست او را ندارد. و این مسأله برای مؤمنان یک آزمایش و شناسائی و برای کافران زوال و فروپاشی بوده است (۱۳۹-۱۴۰).

- تعرض به نگرش نادرست به کیفیت ارتباط با حضرت رسول اکرم (ص) فرا می رسد تا جائیکه ثبات بر زندگی رهبر مربوط می شود و به محض پخش شدن شایعه قتل ایشان مؤمنان دچار ضعف می شدند از اینرو بر لزوم ایمان به رسالت و ثابت قدمی نسبت به آن تاکید می شود و چنین چیزی مقتضای شکر نعمت رسالت است (۱۴۴).

- لزوم حفظ روحیه شور و حماسه و امید و پایداری بر خط ایمان و انتظار وعده الهی و پرهیز از وعده های دشمن (۱۴۶-۱۵۱).

- وعده الهی وعده ای حقیقی است که مسلمانان با چشم خود هنگامیکه به خط او پایبند بودند آنرا دیده اند و هنگامیکه صبر و تقوی را که شرط پیروزی بود از دست دادند با آزمایش شکست روبرو گردیدند. (۱۵۲)

- شکست ناشی از حیرت برخی از مسلمانان و عدم فراموشی منافع تنگ نظرانه و ابراز شک تردید نسبت به برنامه رهبری و ترس از مرگ و توجه به وسوسه های شیطانی از اینرو قرآن کریم آنها را یک بار دیگر به متون اصلی مربوط به قدرت الهی و وعده های پیروزی و معنای مرگ و فرا رسیدن اجل یاد آوری می کند و آنها را از تخیلهای

جاهلیت بر حذر می دارد. (۱۵۵-۱۵۸)

- پس از آن دعوت به سازماندهی وضع موجود و از سرگیری وضعیت طبیعی روابط میان رهبر و امت و چارچوب نرمش و رحمت و نشر مشورت و پذیرش مسئولیت مشترک با حفظ رهبری برای حرکت به سوی اجرای طرحهای آماده شده در چارچوب توکل به خداوند فرا می رسد. (۱۵۹)

- پس از آن گام حماسی بزرگ فرا می رسد که رسول اکرم (ص) به مسلمانان و بویژه آنهاییکه در جنگ احد شرکت داشته به رغم زخمهایی که داشتند دستور مجهز شدن را جهت مقابله با دشمن مصمم به ریشه کنی وجود اسلامی در واقعه ای که (حمرءالاسد) نام داشت صادر می نماید تا قریش متوجه میزان عزم و تصمیم رهبر مسلمانان می شود و از تصمیم خود برای حمله به مسلمانان در پی آگاهی یافتن از تبدیل تهدید به یک فرصت از سوی مسلمانان عدول می نماید (۱۷۲-۱۷۴).

و بدین ترتیب درسهای تاریخی که باید مسلمانها پیوسته از آن استفاده نمایند ادامه می یابد و ما نیز برای مقابله با تهاجم وحشیانه جهانی سازی ویرانگر باید از آن بهره بگیریم .

موضع امت اسلامی و گامهای عملی که باید در برابر جهانی سازی بردارد

پیش از تبیین این گامها ناکید می کنم که مخالفت انفعالی با جهانی سازی با شکلهای گوناگون آن بی نتیجه خواهد بود چراکه برخی از گونه های جهانی سازی دربرگیرنده حالتهای طبیعی و ترقیخواهانه است بلکه باید تأمل از خود نشان داد و گامهای عملی و حساب شده ای را جهت ایستادگی در برابر جنبه های منفی این تهاجم جهانی بزرگ برداشت:

اقدام به تهیه یک راهبرد علمی و روشن و فراگیر که اولاً همگی در تهیه آن

مشارکت داشته باشند و ثانیاً آن را به اجرا در آورند. و نیز نظریاتی که زمینه را برای این نگرش تخریبی فراهم کرده اند باید رسوا کرد.

و در مورد راهبرد مورد نظر ما چند گامی را که در این زمینه مهم می دانیم مطرح می نمائیم:

در سطح جهانی

۱- ما باید جنبه های ایدئولوژی سلطه امریکا و هدف اصلی از مقوله های این بخش را (همچون دهکده کوچک جهانی و آزادی بازار و آزادی دخالت در امور دیگران و گشایش مرزها و نظایر آن را روشن و رسوا نمائیم.

۲- ما باید برای جلوگیری از تسلط بازار بر جنبه سیاسی در کلیه مظاهر آن و حذف آن برنامه ریزی جدی نمائیم.

۳- لزوم تلاش در جهت تعمیق ارزش فطری انسان با ارائه تئوری فطرت اسلامی.

۴- لزوم تأکید بر هویت های منطقه ای و هویت های ملل جهان و آگاهی دادن به ملتها جهت حفظ هویتها و فرهنگهای خود.

۶- لزوم بالا بردن توان علمی و توسعه ای ملتها.

۷- لزوم تلاش به اعطای آزادیهای و حقوق اصلی ملتها.

۸- لزوم تقویت نهادهای بین المللی و تعمیق استقلال عمل آنها.

۹- لزوم تعمیق منابع فرهنگی متنوع.

و در چارچوب اسلامی لازم است علاوه بر آنچه گذشت

روی موارد زیر تأکید نمائیم:

۱- تعمیق تلاش در جهت تقویت نهادهای جهانشمولی اسلامی و فعال نمودن آن

در بخشهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی.

۲- لزوم ایجاد تحول در مطالعات منطقه ای و جهانی و توجه به تاریخ.

۳- لزوم تقویت کلیه عوامل پایداری و همکاری و وحدت همچون مسأله آموزش و فراگیری زبان عربی و تعمیق آن و لزوم احیای معنویتها در دلها که وجه تمایز بر دشمنان ما است که خداوند متعال در سوره نساء آیه ۱۰۴ می فرماید:

«و لا تهنوا فی ابتغاء القوم ان تكونوا تالمون فانهم یألمون کما تألمون و ترجون من الله ما لا یرجون و کان الله علیما حکیما». (سستی نکنید اگر شما در رنج باشید آنها نیز مانند شما در رنج هستند و حال آنکه شما به خدا امید دارید- آنچه را که آنها به آن امیدی ندارند و خدا بسیار دانا و حکیم است).

۴- لزوم بازگرداندن حالت طبیعی رهبری اسلامی و روش تعامل آن با امت در چارچوب (نرمش و محبت)

۵- لزوم از سرگیری تعمیق ارزشها در دلهای امت ما درباره زندگی و مرگ و تمدن و نوع مساهمت تمدنی و نوع ارتباط با خداوند متعال و ایمان بقدرت او و توکل بر او و بدون تعرض به یکدیگر و سرانجام باید دلها و آگاهی و احساسات خود را برنگ قرآن کریم و آیات آن از جمله آیات سوره آل عمران که بدان اشاره شد در آوریم و تحت تأثیر طرحهای جهانی سازی مربوط به آموزش قرار نگیریم و از افراطی گری سطحی و قشری و تکفیری متهورانه پرهیز نمائیم.

میانہ روی اسلامی بیان دقیقی از توازن حکیمانه اسلامی است از اینرو باید نخست کشف شود و سپس در دلها تعمیق گردد.

۶- بر ما لازم است که روحیه مشورت را در همه معانی آن در جامعه خود گسترش دهیم.

۷- ما وظیفه داریم مواد اعلامیه حقوق بشر اسلامی را به دقت اجرا نمائیم.

۸- هر گونه اقدام لازم را جهت تبدیل تهدیدهای گوناگون به فرصتها انجام دهیم

همانگونه که آیات گذشته سوره آل عمران و به ویژه در این گفته خداوند آمده است: «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل»^{۱۱} (آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آنها گفتند لشکر بسیاری علیه شما فراهم شده پس از آنان بر حذر باشید بر ایمانشان افزوده شد و گفتند خدا ما را کفایت است و نیکو مددی است).

۱۰- ما در تحقیقات مذهبی خود باید اصالت و نوگرایی و اجتهاد جمعی را بیاموزیم و هرگونه اقدامی که منجر به ایستادن در برابر این حمله جهانی بزرگ شود باید ترویج دهیم.

۱۱- بر ما لازم است که از مسأله بیداری اسلامی حمایت کنیم. و سرانجام نباید فراموش کرد که یک جهانی سازی بزرگ به موازات آن جهانی سازی هم اکنون در حال گسترش است وجود دارد و آن عبارت است از سمت و سوی جهانی به توسعه معنویات و روح دینداری نزد ملل جهان و تفاهم میان رهبران مذهبی و به ویژه در جهان اسلام که فهم همه جانبه اسلام مورد توجه قرار گرفته است فهمی که این امت را در جایگاه تمدنی مطلوب خود قرار می دهد.

ما بر این عقیده ایم که مظاهر این سمت و سوی جهانی روز به روز ریشه دار تر می گردد که برای مثال ما شاهد:

آ- حرکت شیفته وار توده های مردم در جهان اسلام به سوی دینداری و خواستن از علمای دینی برای دخالت مستقیم در زندگی عمومی مردم و ابراز نظر در مسائل عاجل آنها.

ب- تحکیم نقش کلیسا در مسائل سیاسی و اجتماعی در جهان مسیحی و بویژه در کشورهایی که پس از فروپاشی شوروی تشکیل یافته اند و آزاد سازی نیروی مذهبی

۱۱ آل عمران آیه ۱۷۲.

بودائی در اتخاذ تصمیمات اجتماعی در جنوب آسیا.

ج- افزایش اقبال مردم به نظریات و کتابهای دینی.

ه- حرکت اخیر سازمان ملل متحد بسوی رهبران مذهبی همانگونه که در

کنفرانس های نیویورک و بانکوک شاهد آن بوده ایم.

و- گسترش گفتگو میان ادیان و مذاهب گوناگون از این رو روحانیون این ادیان

باید به وظیفه خود در پشتیبانی از این روند رو به افزایش عمل نمایند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته